

پیش از آنکه کتاب سیر رباعی دکتر شمیسا منتشر شود هیچ کتاب و نوشته قابل دفاع و مستندی در زمینه شناخت رباعی و سرنوشت تاریخی آن از آغاز تا امروز وجود نداشت

سیر رباعی به تحول و تطور ساختی و مضمونی قالب رباعی - به احتمال زیاد ایرانی ترین قالب شعر فارسی از آغاز تا اکنون - پرداخته است. «سیر رباعی» از نوزده فصل و یک ضمیمه درباره قالب مشهور به «فهلوی» در چهار فصل شکل یافته است. در این کتاب از معنای واژه رباعی گرفته تا شاعران رباعی گوی، وزن آن و نظریه پردازان معروف رباعی به طور مفصل بحث شده است، چندان که به نظر می رسد، هر دانش پژوهی با خواندن این کتاب برای بیشتر پرسش های خود در حوزه شعر ساختی و مضمونی رباعی پاسخ های صریحی خواهد یافت. شایسته یادآوری است: پیش از آنکه کتاب سیر رباعی دکتر شمیسا منتشر شود هیچ کتاب و نوشته قابل دفاع و مستندی در زمینه شناخت رباعی و سرنوشت تاریخی آن از آغاز تا امروز وجود نداشت. هر چند مقاله هایی به طور پراکنده در نشریات و مجلات تخصصی و ادبی درباره وزن رباعی و داستان به وجود آمدن آن به چاپ می رسید اما آن نوشتارها چندان که باید توان پاسخ گویی به پرسش های پژوهشی را نداشتند.



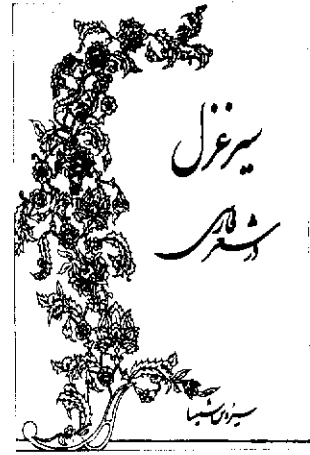
● مصطفی علی پور

- سیر رباعی
- دکتر سیروس شمیسا
- ناشر: فردوس
- چاپ دوم - تهران ۱۳۷۴

رباعی در آغاز به نامهای دوبیتی و ترانه شهرت داشت. به گفته شمیسا، عربها اصطلاح «الدوبیت» را که به رباعی اطلاق می کنند، از دوبیتی فارسی گرفته اند. دیدگاه ها درباره منشأ رباعی کم و بیش متفاوت است. «بوزانی» مستشرق معاصر، ریشه رباعی را ترکی می داند. ولی استاد زنده یاد، فیاض، معتقد به ایرانی بودن رباعی است. (ص ۲۶) در این مورد کتاب ارزشمند «منشأ وزن شعر فارسی» اثر دکتر تقی وحیدیان کامیار می تواند خواندنی باشد. وحیدیان کامیار در این کتاب از وزنی سخن می گوید که شبیه وزن رباعی است و در شعر ایران قبل از اسلام وجود داشته است (۱) نویسنده «سیر رباعی» در این مورد می توانست به نوشته ها و نظریه های وحیدیان کامیار نیز گوشه چشمی داشته باشد. از نکات قابل تأمل در «سیر رباعی» تقسیم بندی شاعران رباعی سرا به رباعی سرایان شاعر و رباعی سرایان عالم است. و شگفت آن که خیام که نام و سرنوشت وی همیشه و هنوز اعتبار و حیثیت قالب رباعی است، به درستی در صف رباعی سرایان عالم قرار می گیرد. چرا که به شهادت تاریخ، رباعیات خیام دست کم پنجاه سال پس از مرگ وی منتشر می شود. خیام در روزگار حیات به دانشمندی و فیلسوفی شهره بوده است. از نکات قابل تأمل دیگر یکی این است که نویسنده از سعدی که تنها در نسخه فروغی پنجاه و پنج رباعی از وی ثبت و ضبط شده نامی به میان نمی آورد (۲) دوم این که بسیاری از معروف ترین رباعی های خیام را که می تواند اساسی ترین مبانی پنداشت و تفکر خیامی باشد، به شاعران دیگری نسبت می دهد. رباعیاتی مثل: «افسوس که بی فایده و سوده شدیم»، «بنگر ز صبا دامن گل چاک شده است» و «اسرار ازل را نه تو دانی و نه من»، و... (۳) این نکته از این جهت نیز قابل تأمل است که بسیاری از آنانی که نویسنده این رباعیات را بر آنها منسوب می کند هم چون عطار، غزالی و عراقی از مخالفان عقیدتی و فکری خیام اند، و این نشان دهنده این حقیقت است که تفکر خیامی با همه دنیاگرایی خاصی که دارد، حتی در دل مخالفان عقبی گرای خود به هر حیلرهی کرده است.

رباعی، ساختمندترین قالب شعر فارسی است و از منظر ارتباط مضمونی و ساختی و هم از دید کوتاهی و ایجاز به «هایکو» شبیه است. که می توانست پایه ی بحث جدی در کتاب سیر رباعی باشد. و اما جای سبز رباعی امروز که در سه دهه ی اخیر تحت تأثیر فتواها و نظرات ادبی نیما به وجود آمد در «سیر رباعی» بسیار خالی است. جای رباعیات حماسی سیدحسن حسینی و قیصر امین پور که هر یک از منظر زیبایی شناسی و زبان و فکر، بحث و فصل تازه ای را طلب می کند، خالی است.

۱- تقی وحیدیان کامیار، بررسی منشأ وزن شعر فارسی، نشر آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۷۰ مشهد. ص ۱۳۷ - ۱۳۶
 ۲- سعدی، مصلح الدین، کلیات سعدی - به اهتمام محمد علی فروغی، انتشارات امیرکبیر چاپ هشتم، تهران ۱۳۶۹، ص ۸۴۶ - ۸۴۱
 ۳- گفتنی است، شمار قابل توجهی از رباعیات را که دکتر شمیسا به دیگران نسبت می دهد، از جمله همین سیر رباعی مذکور، زنده یاد صادق هدایت آن ها را از جدی ترین آثار خیام می شمارد.
 ن.ک به ترانه های خیام - انتشارات جاویدان - تهران ۱۳۵۶.



- سیر غزل در شعر فارسی
- دکتر سیروس شمیسا
- ناشر: فردوس
- چاپ پنجم - ۱۳۷۶ - تهران

سیر غزل در شعر فارسی از دو باب شکل گرفته است. باب اول با عنوان تحول غزل فارسی، دربردارنده هفت فصل مستقل است و باب دوم، با عنوان کلیاتی در باب غزل، دو فصل را دربردارد.

نویسنده در باب اول به تعریف و مباحثی در کلیات و سیر تغییر و روند شکل گیری و رواج غزل از آغاز تا امروز و تحلیل سبکهای گوناگون غزل فارسی و در باب دوم به بحثهای صوری و معنایی غزل از عروض غزل، تفننهای غزلی تا غزلهای قلندرانه، مدحی، مضمونهای غزلی و... پرداخته است.

شیوه نگارش دکتر شمیسا به موضوع غزل و بخش بندیها و نوع تحلیل، به آثار پیشین او به ویژه سیر رباعی در شعر فارسی شباهت می برد. کنکاش و جست و جوی وسواس آمیز در گوشه های نیمه تاریک تاریخ و کشف روزهایی که می تواند زمینه های فهم و درک تاریخی روند غزل را فراهم آورد، اعتباری ویژه به کوششهای او می دهد.

نخستین غزل سرای فارسی را شهید بلخی می داند و این دیدگاه بسیاری از جمله علامه زنده یاد، همایی را که رودکی را نخستین غزل سرا می خواند، به پریش می گیرد. نویسنده در این کتاب، نقش تصوف را در تکامل غزل (ص ۷۳)، رابطه کاهش قصیده، بنا به دلایل اجتماعی با رشد غزل به تفصیل با آوردن سندهای قابل دفاع مطرح کرده است. قرن هفتم به گواهی آثاری که بر جای مانده است، اوج غزل فارسی است. (ص ۸۴) غزل عارفانه با سنایی آغاز می شود و با مولوی و عطار به کمال می رسد و غزل عاشقانه با سعدی. شاعرانی چون عماد قفیه، خواجوی کرمانی و سلمان برای ایجاد تغییرات دست به ترکیب دو نوع عاشقانه و عارفانه می زنند. این ترکیب در اندیشه و ذهن و زبان حافظ در پیوند با فکر رندانه - اجتماعی حافظ به عالی ترین نقطه می رسد. در سده نهم، شعر دوره شاهرخ، هم از جهت معنا و هم زبان تحول چندانی ندارد. (ص ۱۴۶) - بحث، نقد و تحلیل دکتر شمیسا در فصل غزل وقوع و واسوخت و شیوه هندی از منظر ساخت و صورت (ص ۲۰۵) توانمندیهای وی را در حوزه دانش نقد نشان می دهد.

اینکه غزل دوره بازگشت، سبک نیست، تقلیدی ناپهنجار از گذشته است، آفتی است که حتی در روزگار ما نیز قربانیانی داشته، و تلفاتی بر جای نهاده است. آثار شاعری مانند شهریار، با همه صمیمیت مردمی اش، به گفته دکتر شمیسا، همان شعر عراقی است، با زبانی در سطح زبان شاعران دوره بازگشت. و شعر رهی معیری، شیوه ای است بین شعر عراقی و هندی. گزارش غزل "طرحی و اختراعی" از بخشهای خواندنی کتاب است (ص ۲۰۷ و ۲۰۶) یکی از اشکالات تذکره ای بررسی روند شعر در گذشته، تقسیم انواع شعر بر حسب صورت و ساخت است و نه محتوا، جان آن که فرم ترکیبی از صورت و محتواست. اصلی که حتی شمیسا نیز چندان بدان توجه نداشته است. غزل، یک نوع شعری است (ژانر = gene) که یک نمونه آن ساخت متعارف مورد بحث است. قالب، چندان نمی تواند تعیین کننده غزل بودن یا نبودن یک قطعه باشد. "تو را من چشم در راهم" از نیما، "و شبانه" (مرا تو بی سببی نیستی...) از شاملو همان قدر غزل اند که: "چون سنگها صدای مرا گوش می کنی" از فروغ فرخزاد. بحث تفاوت های غزل و تغزل در این کتاب بسیار کلی است و نتیجه چندان روشنی ندارد. جای خالی غزل پس از نیما و تأییری که اندیشه و جهان بینی نیمایی بر شعر فارسی امروز به ویژه غزل گذاشته است، به طور جدی در "سیر غزل" خالی است. این بهانه که "ما در عصر تکوین غزل نو به سر می بریم، لذا جای پرداختن به غزل امروز هنوز نرسیده است." و اکتفا کردن به یادکرد صرفاً چند نام، چون منزوی، درویدیان و محمد ذکایی، ضمن اینکه مخاطب را قانع نمی کند، نقص و ضعف تألیف کتاب سیر غزل در شعر فارسی را درباره گزارش غزل امروز، آشکار می کند.

- کنکاش و جست و جوی وسواس آمیز در گوشه های نیمه تاریک تاریخ و کشف روزهایی که می تواند زمینه های فهم و درک تاریخی روند غزل را فراهم آورد، اعتباری ویژه به کوششهای او می دهد.

- این که غزل دوره بازگشت، سبک نیست، تقلیدی ناپهنجار از گذشته است، آفتی است که حتی در روزگار ما نیز قربانیانی داشته، و تلفاتی بر جای نهاده است.

- آثار شاعری مانند شهریار، با همه صمیمیت مردمی اش، به گفته دکتر شمیسا، همان شعر عراقی است، با زبانی در سطح زبان شاعران دوره بازگشت.



"چرا امروز در این دشت خرم، آسمان، کوهستان را چنین تنگ دربر گرفته؟ چه منظره تازه‌ای است که در زیر پرده مه بامدادان از دیدگان من پنهان شده؟... همه جا چنان سرخ و سپید است که زیباتر از آن چیزی نمی‌توان دید. ولی ای حافظ! مگر راستی، شیراز تو را به این سرزمین شمالی آورده‌اند؟

ای حافظ! سخن نغز تو جام شراب ماست. بیا و رفیق راه ما شو تا نغمه‌های دلپذیرت، ما را مستانه به عرش خدا رهبری کند... (ص ۶۶)

"دیوان شرقی" گزیده شعرهای ارجمند گوته، شاعر بزرگ آلمان است. برخی گوته را به دلیل ارزشهای انسانی و هنری آثارش، یکی از چهار رکن ادب جهان می‌دانند. دیوان شرقی که به ترجمه زیبای شجاع‌الدین شفا با پیش‌گفتاری تحلیلی درباره اثر و شرح حال حافظ به قلم خود گوته و ۸ تابلوی منحصر به فرد و... فراهم آمده، می‌تواند یکی از زمینه‌های خوب مطالعه ادبیات آلمان در پیوند با فرهنگ ادبی و عرفانی ایرانی باشد. اگرچه دیوان شرقی یکی از آثار مطرح گوته است، لیکن برای خواننده ایرانی، مطالعه این اثر، گنجینه فشرده و موجز درباره اندیشه، شخصیت، احساسات و بینش یک متفکر هنرمند در برخورد با اندیشه‌های شرقی به‌ویژه ایرانی است.

اگر حافظ، حافظه ملت ماست، بی‌تردید گوته حافظه ملت آلمان است. و هر آلمانی حق دارد، چون ما که به کنار مولوی، فردوسی، سعدی، خیام و حافظ و... می‌رسیم، خود را بزرگ می‌دانیم، با تکیه بر اندیشه‌های گوته و آثار شگفت‌انگیزی که فراهم آورده است، بر دیگر ملل فخر بفرشد و بیابد. آنچه در دیوان شرقی آمده یکی از عالی‌ترین آثار شعر و حکمت اروپاست. و گوته بی‌شک این اثر را مدیون حافظ و اندیشه بلند شرقی اوست. اگر حافظ نبود، گوته هرگز دیوان شرقی نداشت. تأثیر جزء به جزء از تفکر حافظ در جای‌جای این اثر به خوبی آشکار است. خواننده‌ای که ادب تغزلی و حالی ایران را بشناسد در مطالعه دیوان شرقی، شاعر بزرگ قرن هشتم شیراز عزیز را می‌بیند که این بار نه به فارسی که به آلمانی سروده است. ارادت، شوق و شیفتگی عجیب گوته به حافظ نه تنها نگاه و هستی‌شناسی خاص ایرانی به این شاعر بزرگ آلمانی داده است، بلکه سبب شده است تا وی حتی مضمونهای دیوانش را در قالب عناصر ادبی و شخصیت‌های تاریخی که در زبان عرفانی ادب فارسی، جنبه‌های نمادین و سمبلیک یافته‌اند، بازسازی کند:

دلدار من، بیا و دستار بر سرم بند / زیرا آن دستاری زیباست که تو بر سرم بسته باشی / شاه عباس نیز بر تخت سلطنت ایران - که بزرگ‌ترین تخت عصر بود - دستاری چنین آراسته نداشت / بارها در گوشه میخانه می‌نشینم و سرخوشم / بارها نیز در خانه محقر خود، خوبشتم را خرسند می‌یابم.

اما همین که در خانه یا میخانه به تو می‌اندیشم ناگهان همای خیالم بال می‌گیرد و در عالم اندیشه خوبشتم را سرداری جهانگیر و پیروز می‌یابم تا همه جا را به خاطر تو زیر نگین آورم و فرمان دهم. ص ۱۰۲

و سرانجام خطابهای او به حافظ، از زیباترین نوع اظهار ارادت شاعر به شاعری بزرگ است. او در این خطابها، ترجمان اندیشه‌های رندانه و اجتماعی - اخلاقی حافظ نیز هست. "ای حافظ مقدس! تو بی آن که راه و رسم زاهدان ریایی را پیشه کنی، راز نیک‌بختی را آموخته و صوفیانه راه به سرچشمه حیات برده‌ای. این است آنچه که فقیه و محتسب در حق تو اقرار نمی‌خواهند کرد." (صص ۷۶-۷۵)

انضباطی که در تدوین و تهیه دیوان شرقی از نظر طرح جلد، صفحه‌آرایی و حروف‌چینی و... حاکم است. قابل تأمل و تقدیر است. از امتیازات قابل توجه این اثر، ویرایش تازه آن است. شکل ویرایش یک‌دست، نوع حروف متن، نشانه‌گذاری و شیوه ارجاع به مراجع، مطالعه تحقیقی "دیوان شرقی" را بسیار آسان می‌کند.

● دیوان شرقی

● یوهان ولفگانگ گوته

● ترجمه شجاع‌الدین شفا

● نشر نخستین

● تهران، ۱۳۸۰

● اگر حافظ، حافظه ملت

● ماست، بی‌تردید گوته

● حافظه ملت آلمان است.

● اگر حافظ نبود، گوته

● هرگز دیوان شرقی نداشت.



«ناردانه‌ها» از سه بخش مستقل تشکیل شده است. در دیباچه، نویسنده به بررسی و معرفی رباعی به عنوان یک قالب کوتاه، نیز تعریف شمس قیس از رباعی و مقایسه آن با شعرهای کوتاه چینی و ژاپنی، بی‌هیچ اشاره‌ای به هائیکوهای ژاپنی و تفاوت ذاتی آن‌ها با شعرهای چینی، می‌پردازد. آنگاه رباعیات را به سه دسته، ترانه‌های ساده، رباعیهای خیامی و عارفانه تقسیم می‌کند. به گفته استاد اسلامی ندوشن، مضمون برتر در رباعی فارسی، توصیف زیبایی جسمانی است. غیر از توصیف کمالات شمس از زبان مولوی... تفکر خیامی در بخش دیگر دیباچه مورد بحث قرار می‌گیرد. (صص ۲۸ و ۲۷) و تأکید این موضوع که شادی طلبی خیامی با تأمل همراه است و از این رو غم‌آلود است. نویسنده چنین شادی طلبی را معنویت زمینی می‌خواند. با این تعریف، می‌توان به یک مرزبندی نسبی میان ابتذال و نگرش زمینی دست یافت. و این که هر نگاه غیر آسمانی ابتذال نیست...

در مقدمه، البته جای بررسی تحقیقی و علمی برای معرفی ظرفیتهای محتوایی به شدت خالی است. این که رباعی اساساً چه موضوعاتی را جز موضوعات سنتی تاریخی می‌تواند در بستر قابلیت‌های خود عرضه کند، امروزه رباعی به دلیل شرایط اجتماعی، بیشتر نماینده نوعی نگاه حماسی و اجتماعی است، تا فلسفه و عرفان و عشق...

در بخش دوم کتاب «ناردانه‌ها» اسلامی ندوشن رباعیات انتخابی خود را از آغاز تا امروز با تحلیلی معناشناختی از هر یک ارائه می‌دهد، به شیوه‌ای که به نظر می‌رسد بیشتر از این توسط احمد شاملو و ع. پاشایی در تهیه و تدارک کتاب هائیکو یا شعر ژاپنی تجربه شده است. کمترین اهمیت بخش دوم این است که مخاطب با نمونه‌هایی از بی‌شمار رباعی فارسی، آشنایی به هم می‌رساند. هر چند جای خالی رباعیات روزگار ما که از جهاتی به ویژه از نظر زیبایی‌شناسی زبان و معنا، قابل تأمل‌اند، به شدت احساس می‌شود. گفتنی است پیش از این سیروس شمیسا در کتاب «سیر رباعی در شعر فارسی» به تغییر و تحول و تطور رباعی از آغاز تا امروز پرداخته است. کوششی که می‌توانست منبع و مرجع قابل اعتمادی برای نویسنده محترم، استاد اسلامی ندوشن، در تدارک «ناردانه‌ها» باشد.

در مؤخره نویسنده، برداشت سه‌گانه خود را از تفکر خیام ارائه کرده است (ص ۲۶۲) در نگاه وی این سه عامل: خاطره ایران باستان، اندیشه بی‌اعتباری جهان و چون و چرا در کار آفرینش، ترکیب مبانی تفکر خیامی است. اهمیت این نظرگاه، هنگامی آشکارتر می‌شود، که نویسنده به تحلیل و معرفی زمینه‌های جدی چنین تفکری پیش از ظهور خیام می‌پردازد (ص ۲۶۳ و ...)

جا داشت استاد اسلامی ندوشن به این نکته اشاره می‌کرد که دست کم بخشی از تفکر خیامی چون ناپایداری جهان، شادخواری و غنیمت شمردن وقت، جزو احساسات مشترک جهانی است. هنرمندان، شاعران و نویسندگان پرشماری به ویژه پس از رنسانس حاملان چنین تفکری‌اند.

در بخش دیگری از مؤخره (ص ۲۶۶) نویسنده، نظر صادق هدایت و نجم‌الدین رازی را که هر دو خیام را بر پایه برخی رباعیات، دهری و مادی دانسته‌اند، رد کرده است. هر چند در تحلیل و نقد کتاب مرصادالعباد اثر نجم‌الدین رازی (دایه) اندکی دامن عدالت را رها می‌کند. و ارزشهای آن اثر ارجمند را به عنوان یک شناخت‌نامه نظری اندیشه و تفکر صوفیانه ایرانی نادیده می‌گیرد. اثری که هم از جهت زیبایی‌شناسی زبان و هم از جهت نظریه عرفان اسلامی کم‌نظیر است. از اهمیت و اعتبار مرصادالعباد، همین بس که بزرگانی چون مولوی، سعدی و حافظ به این اثر به چشم عنایت نگریسته، آن را از منابع مهم ارتزاق فکری و ذوقی خود قرار دادند (۱)

و اما دفاع استاد اسلامی ندوشن از خیام، به ویژه آنجا که از توبه او در آستانه مرگ به نقل از تاریخ بیهق و تتمه صوان‌الحکمه، سخن می‌گوید، اندکی جای تأمل و تردید دارد. چرا که اعتبار شخصیت خیام در تاریخ فرهنگ، تا آن پایه است که حتی امروزه نیز برخی، فرازهای مهم تفکرات و تأملات او را چون غنیمت شمردن وقت، با ابن‌الوقت بودن عارفان یکی دانسته و وی را تا حد یک عارف فراموش می‌برند. این که انسانی در هنگام مرگ وصیت و توبه کند، چندان دلیل محکم برائت او، نمی‌تواند باشد. استدلالی که استاد اسلامی ندوشن درباره برائت خیام، به دست داده‌اند. از سویی دیگر اگر شراب خیام شراب انگوری است، نیز ضد دروغ و زشتی و خشونت است، چنین شرابی، سند گمراهی او نیست. زیرا تفکر مستی و راستی، تفکر صریح و رایج ایرانی است. چندانکه در نظرگاه حافظ نیز، این فکر بارها به زبان شعر در آمده است:

حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کمتر جو / که کس ننگشود و نگشاید به حکمت این معما را

۱- نگاه شود به مقدمه گزیده مرصادالعباد، به همت دکتر محمدامین ریاهی، انتشارات علمی، چاپ هشتم ۱۳۷۳



● ناردانه‌ها
● نقد و تحلیل رباعیهای فارسی
● محمدعلی اسلامی ندوشن
● ناشر: نغمه زندگی
● چاپ اول - تهران ۱۳۸۱

